

سفيد و بجايند چاهي  
افدارد و سدا او را  
آبهايم استا فاشك  
مهر قمر لا نصير و احسن  
فهم الو جان كبريا  
و در كنار خود و شواله  
عليه السلام

۱۴ وجه

و با خود دارد که از مو  
 اقا منحنی و کشته  
 قد و او انا و اما عین  
 اتخذه ناه و اما عین  
 سببها بجهت  
 کار ظاهر کا غلجه نو  
 خواص  
 و اضربیم مثلاً در وجود  
 العزیز از جانها المراسل  
 چهار کلمه مختصر شده  
 بنماید و بایم بمثل در غفر  
 نوشتن با خود دارد و بنام  
 بندد اذ از سَلْنَا الهم شید  
 فکذوبها فخر فانی



بسم الله الرحمن الرحيم  
 الحمد لله رب العالمين  
 والصلوة والسلام  
 على سيدنا محمد  
 وآله الطيبين الطاهرين  
 أجمعين

وعظمه الله وبره ان الله وساطان الله وكلف الله وجوده  
 وامان الله وحرز الله وقطيش الله وقبائه الله وجلال الله وكما  
 لا اله الا الله محمد رسول الله من شيرة الجيد ورحمة  
 يا ارحم الراحمين **افضل** ان يشكر ابنو بسند بر موضع  
 خسر بن بندر في فسطوح حجر بنيت بحبل و الوبح اعظم  
 اطبا فخره عموده افند که چون سر بر اياک سینه بسايند  
 تا غلبه کرد در روغن کل باروغن بادام بالسوی بر سر طاز  
 منفرج و جرت خار و حکه خار و اورام خار و ضما کنند  
 نافع کرد در اکرم اب کثیر باب بار هک بسايند بد سنور ساق  
 نافع باشد **افضل** معالجها سرخ و سابور و رام حاه  
 هر نامداد بلعاب من بخواند و بد مد و انرا بموضع درد طلا  
 نمايند دفع کرد و بسم الله الرحمن الرحيم الحمد  
 رفو و المنار فوام با فبا بحر مة لغاب من مصطفى صلی الله  
**افضل** باد سرخ و انشک بخواند بسم الله الرحمن الرحيم  
 رفتن نوفل هو الله رفتن بر کوه شد ابراهیم خشک  
 شد بر پروای درد خوش شو نو بخوان لا اله الا الله از انچه  
 بر کوزه سفال به نقش بنویسد و محو نموده بخواند جمعه  
 جمیع بادها خصوصاً سحره را نافع است بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم  
 الحمد لله رب العالمين  
 والصلوة والسلام  
 على سيدنا محمد  
 وآله الطيبين الطاهرين  
 أجمعين

بسم الله الرحمن الرحيم  
 الحمد لله رب العالمين  
 والصلوة والسلام  
 على سيدنا محمد  
 وآله الطيبين الطاهرين  
 أجمعين

بسم الله الرحمن الرحيم  
 الحمد لله رب العالمين  
 والصلوة والسلام  
 على سيدنا محمد  
 وآله الطيبين الطاهرين  
 أجمعين

عليها طيفاً انت تعلم ما في قلوبهم **افضل** باد سرخ و اورام  
 حاره بحر سب کچ و از نافه بخنجر باب کثیر بسیار بنویسند  
 بمقدار که بسن کچ بر طرف شود و مکرر طلا نمايند و در کتاب  
 خزانه الاسرار از حضرت صفای عم و ابن کرمه که سوره غاشیه  
 بسین و یکبار بخواند بخوابد هاشمکه در اقدام باشد خاصه برای  
 باد سرخ بخواند تا بگذرد اما معالجها سرخ و ان در رینه  
 دست و پا راست می کنند و بکشد و بکشد بختیکه صاحب  
 ان تصور کند که ان اعضا از ان افتاده است این با نرا بنویسد  
 با خود دارد و بران بخواند که نافه من بسم الله الرحمن الرحيم الحمد  
 ما بشاء و بلیث و عند ام الکتاب الحمد لله فطر السموات  
 و الارض جاعل الملائکه و سلا اولی اجنه مشی و ثلاث  
 و رباع باسم فلان بن فلان اما معالجها سرخ و در رینه  
 که شخص خدمت امام جعفر صفای عم عرض کرد که باد به سر  
 مرا فرود گرفته فرمود که عشر در روغن زیتون بنامد باد ماغ  
 بچکاند و در روایت دیگر که سوره اذا زلزلت را بنویسد و  
 ان نظر کند شفا یابد و در سرش سرخ و دیگر بنظر رسیده  
 که انیسور و در رینه بنویسد و در خانه بدارد نظر  
 کند و مرده بیند که اگر سه نوبت بنویسد انیسور و حباب شود  
 بنامد شفا یابد و در روایت دیگر مرده بیند که صلیح بن

بسم الله الرحمن الرحيم  
 الحمد لله رب العالمين  
 والصلوة والسلام  
 على سيدنا محمد  
 وآله الطيبين الطاهرين  
 أجمعين

بسم الله الرحمن الرحيم  
 الحمد لله رب العالمين  
 والصلوة والسلام  
 على سيدنا محمد  
 وآله الطيبين الطاهرين  
 أجمعين



من مني فويل له  
من شق و ما غلبه  
ان يجر اقل  
تشكروا  
لا تشكروا  
ولا تشكروا  
ولا تشكروا  
ولا تشكروا

سئل

مدافعة / صلح الكوفة / جهر الخافض / جهر الكوفة / طلبة قلزم / سابق الغارو / ولا اللبيل / قد زك الفهم / كبره من كان دلا



[illegible]

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على سيدنا محمد  
الطاهر الطيب المصابي



بسم الله الرحمن الرحيم  
 الحمد لله رب العالمين  
 والصلوة والسلام  
 على من لا نبي بعده  
 وآل وصحبه الطيبين الطاهرين  
 أجمعين

باب سائیده بر ثالول و فوایا بالند در داو زایل کرد و طلائی  
 کبریا با بورد و کوکر جهه جری خک و با سر که جهه حق و بر جلی العالی  
 جهه شوق شدن مو حیرت با نشسته اند و طلا نمودن مغز نیم کرد و و منند  
 و امر با شپرد خزان جهه خک که با حرارت باشد از حیرت باشد و بدست  
 از این گذشت که صبر با ابی کاسه یا ابی کاسه یا ابی کاسه یا ابی کاسه یا ابی کاسه  
 نا خلیط کرد و بار و غن کل و با دام بالسوف بر سر طان منفرج و جری  
 خار و خک و او دام ضحاک تا بند نافع و بنکودانسته اند و بدست و خشت  
 مسحوق و اسیر که و هم چنین صبر زرد و نشناسه و ابی کاسه جهه دفع جک  
 که حرارت باشد موثر است و از حضرت امام علی النقی ع سر  
 و دست که هر که خرمای زنبرا بخورد کند و هانش بر طرف شود و از حضرت  
 امام رضا ع سر و دست که بخورد بعد از بختی که برای دفع قولنج نافست و  
 فرمود کند دهان را بر طرف نمیکند و استخوان محکم نمیکند و شود در  
 بدن می رویند و در دهان را بر طرف برد و مضاعف کردن جزو با سر که  
 جهه بد بود و بر جلی دهان و استخوان کاش و استخوان و فلاح و مؤثر  
 و نشسته اند و بجهه بد بود و بر جلی اطبا گفته اند که اول اموخه حرام  
 شیخ خدشها نمود و ایند و اما البند نافذ در خون دفع شود و بعد  
 از یکشنبه روز موضع را بشوید و نصیر بیج نموده اند که دیگر نمیکند  
 و جگر تب راس خک محرق و در او اند و طویل محرق و زجاج فرغ و  
 و زعفران از هر یک جزو ابی مورد فازه بر سرشند و فرصت بیامد و بجهه

بسم الله الرحمن الرحيم  
 الحمد لله رب العالمين  
 والصلوة والسلام  
 على من لا نبي بعده  
 وآل وصحبه الطيبين الطاهرين  
 أجمعين

بسم الله الرحمن الرحيم  
 الحمد لله رب العالمين  
 والصلوة والسلام  
 على من لا نبي بعده  
 وآل وصحبه الطيبين الطاهرين  
 أجمعين

بسم الله الرحمن الرحيم  
 الحمد لله رب العالمين  
 والصلوة والسلام  
 على من لا نبي بعده  
 وآل وصحبه الطيبين الطاهرين  
 أجمعين

بد بود عرف بغایه جری تب من اسبج و بوبنک مغفول خاکستر  
 سوسن ز صبر زرد کل سرخ بالسوفه با کلاب و امکان طلا کند  
 بجهه بد بود و انگشتان پای بسن برک فازه سوسن از حیرت باشد  
 بجهه بد بود و بر جلی کج ران سبیل صندل سنبل الطیب مرصا  
 مشک از هر یک سه جزو و کافور نیم جزو با کلاب حل سازد و استحا  
 نماید بجهه جری از حضرت امام جعفر صادق ع سر و دست که  
 هر روز و دست که در بدن بجم رسد و نرسد بجم بد برسد در او خفت  
 و ضوید از بر اینها واجب پیش از نماز بران و دم ابر و از لافافا  
 سورة حشر بخوان و بران بدم چون چنین کنی بزور و به بنکود  
 و در خواص این بات قرآن آورده اند که سر روز منوالی هر روز  
 مضمون این ابر و بخوان و بعد از روز نیم بر جام ابی کاسه بر سران  
 بنویسد و با بران بشوید و بخورد و زایل کرد و از خواص این  
 حروف بنویسد و بر صبا و دم بندد با بورد بنویسد و نشسته  
 و جادوه ی طرح و در حدیث دیگر از حضرت امام محمد  
 باقر ع سر و دست که بر سر و دست با داران آخر سورة حشر بخوان  
 بخوان و در هر مرتبه این دهان را بران موضع بنید از سالن کرد و  
 در فضل دفع دمل و فرج نیز افسونه بجهه و دم نیز مگور شد  
 فضل معالج حشر صبر و سر و دست و از حضرت امام جعفر  
 صادق ع وارد شده که در معالجه زکام پینه را بر و غن بنفشه

بسم الله الرحمن الرحيم  
 الحمد لله رب العالمين  
 والصلوة والسلام  
 على من لا نبي بعده  
 وآل وصحبه الطيبين الطاهرين  
 أجمعين

بسم الله الرحمن الرحيم  
 الحمد لله رب العالمين  
 والصلوة والسلام  
 على من لا نبي بعده  
 وآل وصحبه الطيبين الطاهرين  
 أجمعين



از خدا بفرمایند  
و این است حکایت  
نعمت و رحمت  
فرزاد بگویند  
آمین

[illegible]

من غير مجافا  
 با با خود دارد و نفس  
 تشا مثلا و نفس خلقه و قال  
 مني العظام و هي مني  
 چشم بنو و بانو  
 جهر  
 دارد قل مجيبا الله انشا  
 اول مرة و هو يكمل خلق  
 هشتماد جهن  
 عليهم  
 در دشم و هو يكمل  
 فوسيد و دراب و هو يكمل  
 اندازد الذي جعلكم  
 من الطين و هو يكمل  
 فاذا انتم منه و قد دون  
 او را من فبدا و هو يكمل  
 خلق الله عز و جل و هو يكمل  
 فبدا و هو يكمل



و سبب که بدستور مذکور بران رشتنه هفت مرتبه این امان را به  
 خواند و در هر نوبت که بخواند و بران رشتنه و دستاورد آن رشتنه  
 برانکشت وسط و مختصر بنید و بعد از شفا یافتن از ارباب فدا شود  
 که بحسب سبب الله الرحمن الرحیم که بعضی ذکر و بعضی رقیل عینه  
 ذکر یا ایزد فاریه زبیر فدا یا خوفنا قال ربی یا وکرم العظم فی  
 الرأس شنبی و کما کن بدی عاتک رب شنبی فمکان منکره فنبی  
 اوفیه از حی من کاسیه ففید من صیام او صدق فز اولسک و فیز  
 من الفزان فافو شفاء و زخم للمؤمنین و بجهت زله انبش کل انبش  
 و بقیله و بمعزاد چشم بهم زند و اگر نایل نشود در چشم فاف  
 و الا در چشم طار الا در چشم من نایل کرد و در هر یک از این  
 فغ او بر اندک از جهه زله و سایر یادها که در بدن بهم میرسد  
 سنگدان خروس را بنیاد و در هر یک خود که دارد هر فاد فاسد  
 که در بدن او باشد جبر و نابد باذن الله انکم میجهت بلا تزل و در  
 دندان انکله را بنویسد و منع اهن کوچکی در میان اول برود و او  
 و بقیله بگوید و اگر بر طرف نشود در میان حروف و و هم چنین تا آخر  
 و طرف شود لطیف نذنبیاد در میان حروف و و کوفه شدن  
 اعضا بنجره رسیده که موسی را با شاخ بر او گرفته و میخند و در موضع  
 در بدن و در میان فافع آورده اند که اگر کسی از خم و ضرب  
 با چوب رسیده با سبب باز در چوب رسیده و در و غن اندازد بر موضع

و این را در هر روز بخواند و در هر نوبت که بخواند و بران رشتنه و دستاورد آن رشتنه  
 برانکشت وسط و مختصر بنید و بعد از شفا یافتن از ارباب فدا شود  
 که بحسب سبب الله الرحمن الرحیم که بعضی ذکر و بعضی رقیل عینه  
 ذکر یا ایزد فاریه زبیر فدا یا خوفنا قال ربی یا وکرم العظم فی  
 الرأس شنبی و کما کن بدی عاتک رب شنبی فمکان منکره فنبی  
 اوفیه از حی من کاسیه ففید من صیام او صدق فز اولسک و فیز  
 من الفزان فافو شفاء و زخم للمؤمنین و بجهت زله انبش کل انبش  
 و بقیله و بمعزاد چشم بهم زند و اگر نایل نشود در چشم فاف  
 و الا در چشم طار الا در چشم من نایل کرد و در هر یک از این  
 فغ او بر اندک از جهه زله و سایر یادها که در بدن بهم میرسد  
 سنگدان خروس را بنیاد و در هر یک خود که دارد هر فاد فاسد  
 که در بدن او باشد جبر و نابد باذن الله انکم میجهت بلا تزل و در  
 دندان انکله را بنویسد و منع اهن کوچکی در میان اول برود و او  
 و بقیله بگوید و اگر بر طرف نشود در میان حروف و و هم چنین تا آخر  
 و طرف شود لطیف نذنبیاد در میان حروف و و کوفه شدن  
 اعضا بنجره رسیده که موسی را با شاخ بر او گرفته و میخند و در موضع  
 در بدن و در میان فافع آورده اند که اگر کسی از خم و ضرب  
 با چوب رسیده با سبب باز در چوب رسیده و در و غن اندازد بر موضع

و این را در هر روز بخواند و در هر نوبت که بخواند و بران رشتنه و دستاورد آن رشتنه  
 برانکشت وسط و مختصر بنید و بعد از شفا یافتن از ارباب فدا شود  
 که بحسب سبب الله الرحمن الرحیم که بعضی ذکر و بعضی رقیل عینه  
 ذکر یا ایزد فاریه زبیر فدا یا خوفنا قال ربی یا وکرم العظم فی  
 الرأس شنبی و کما کن بدی عاتک رب شنبی فمکان منکره فنبی  
 اوفیه از حی من کاسیه ففید من صیام او صدق فز اولسک و فیز  
 من الفزان فافو شفاء و زخم للمؤمنین و بجهت زله انبش کل انبش  
 و بقیله و بمعزاد چشم بهم زند و اگر نایل نشود در چشم فاف  
 و الا در چشم طار الا در چشم من نایل کرد و در هر یک از این  
 فغ او بر اندک از جهه زله و سایر یادها که در بدن بهم میرسد  
 سنگدان خروس را بنیاد و در هر یک خود که دارد هر فاد فاسد  
 که در بدن او باشد جبر و نابد باذن الله انکم میجهت بلا تزل و در  
 دندان انکله را بنویسد و منع اهن کوچکی در میان اول برود و او  
 و بقیله بگوید و اگر بر طرف نشود در میان حروف و و هم چنین تا آخر  
 و طرف شود لطیف نذنبیاد در میان حروف و و کوفه شدن  
 اعضا بنجره رسیده که موسی را با شاخ بر او گرفته و میخند و در موضع  
 در بدن و در میان فافع آورده اند که اگر کسی از خم و ضرب  
 با چوب رسیده با سبب باز در چوب رسیده و در و غن اندازد بر موضع

کتاب رساله در فقه و اصول  
 مجتبی الطیبه از فقه و اصول  
 کتاب رساله در فقه و اصول  
 مجتبی الطیبه از فقه و اصول

اگر کسی سبب مانند آن است که زده باشد و از دندان بیقرار باشد  
 خاصه را در آب ترکند بر موضع در بدن و از لوله افتاب زود زود  
 بر بالای موضع بر نورد و در ساکن کرد و **فضل فایز** در  
 فغ خیالات فاسد و وسواس و از زوهار خواص فزای مد  
 و راست که چون کسی را خیالات فاسد و تشوش در می دهد این  
 امان را و خوانند از یاد کرد و اگر بر قطعه صوف بود باور فافو  
 نویسد و بر کسی که از جن و پری و زخم رسیده باشد بنده این  
 کرد و از اقرار الفزان بیدک و بین الذین لا یؤمنون بالآخر  
 حجاباً مستوراً و جعلنا علی قلوبهم اکنه ان یفقهوه و فی اذانهم  
 و فز او اذ کون ربک فی القرب و خلد و لوا علی اذ بارم  
 نقور فان تولوا فقل حسبی الله لا اله الا هو قل یقوتق  
 العرش العظیم و تر حلد بیت دیگر و در شده که شخصی با مختص  
 عرض کرد که از زوهار و سایر بیاد کردن و وسواسهای سینه ازاد  
 میگویم این مختص فرمودند که دست بر سینه بکش و بگو بسم الله  
 الرحیم و لا حول و لا قوه الا بالله العلی العظیم اللهم احی هنی ما  
 فی رشت بر شکم بمال و سه مرتبه ایند تا را بخوان انکست  
 سر را تا اندازد از یاد کرد و بعد از آن که افشاد من در کناه  
 مکام الاخلاق آورده اند که هرگاه را عضو می از خا بنجو دافند  
 بکاه بر را بخوان و بکاشانکشان خود را بشکند که با و از اید

و این را در هر روز بخواند و در هر نوبت که بخواند و بران رشتنه و دستاورد آن رشتنه  
 برانکشت وسط و مختصر بنید و بعد از شفا یافتن از ارباب فدا شود  
 که بحسب سبب الله الرحمن الرحیم که بعضی ذکر و بعضی رقیل عینه  
 ذکر یا ایزد فاریه زبیر فدا یا خوفنا قال ربی یا وکرم العظم فی  
 الرأس شنبی و کما کن بدی عاتک رب شنبی فمکان منکره فنبی  
 اوفیه از حی من کاسیه ففید من صیام او صدق فز اولسک و فیز  
 من الفزان فافو شفاء و زخم للمؤمنین و بجهت زله انبش کل انبش  
 و بقیله و بمعزاد چشم بهم زند و اگر نایل نشود در چشم فاف  
 و الا در چشم طار الا در چشم من نایل کرد و در هر یک از این  
 فغ او بر اندک از جهه زله و سایر یادها که در بدن بهم میرسد  
 سنگدان خروس را بنیاد و در هر یک خود که دارد هر فاد فاسد  
 که در بدن او باشد جبر و نابد باذن الله انکم میجهت بلا تزل و در  
 دندان انکله را بنویسد و منع اهن کوچکی در میان اول برود و او  
 و بقیله بگوید و اگر بر طرف نشود در میان حروف و و هم چنین تا آخر  
 و طرف شود لطیف نذنبیاد در میان حروف و و کوفه شدن  
 اعضا بنجره رسیده که موسی را با شاخ بر او گرفته و میخند و در موضع  
 در بدن و در میان فافع آورده اند که اگر کسی از خم و ضرب  
 با چوب رسیده با سبب باز در چوب رسیده و در و غن اندازد بر موضع



ویدیم جو وہ ہے  
 چند عارضہ  
 امام علیؑ  
 ایات کلام حق  
 رضا بملک خلا  
 احمدی علی بن  
 ابی طالب  
 اللہ و رضی اللہ  
 کر انشاء عجیب  
 ۱۰

باسم فلان بن فلان بنو کردد المبر الذین کفروا ان السّموات  
والارض کانتا رفعا فنفقناهما وجعلنا من الماء کل شیء حی  
افلا یؤمنون **در معالجه در ضربت و کوفته**  
اعضا بنجر مرده که سوخته را با شاخ و برگ کرفه و پنجه  
بر موضع درد بندد ایستاده آورده اند که اگر کسر از تخم و ضرب  
خشت با چوب سبده باشد زرد چوبه را با ابلهبله بپاهند  
و در روغن اندازد و با نش کرم کرده طلا نماید بنکو کرد  
ایضا در دفع زیاد بول کردن و سلس بول  
**نقطه بول و سبده و کرم و کوفته**  
از عسل الله عسل مر و نش که هر که را بول بسیار آید در داق اصبا  
این امر را با نشا هفت مرتبه بخوان تا شفا یابد در حدیث دیگر  
منقول است که شخصی در خدمت امام محمد باقر علیه السلام عرض کرد که بولش  
قطع نمیشد همیشه قطره بول از او میآمد فرمود که اسپند را  
بگیر و شش مرتبه بایستد و یک مرتبه بایستد کرم بشوید و در  
سایه خشک کن پس با روغن کلچرت کن و سفوف نموده بخور  
**در کتاب حکایه الاخلاق** آورده که بجهت بول  
کردن اطفال در شب دفع آن امشکل را بر و در اهو نو که  
و بر آن کس او نیز هفت هفت هفت هفت هفت هفت هفت هفت

و در حدیثی است که  
 حضرت خاتم الانبیا  
 علیه السلام فرمودند  
 که خداوند تعالی  
 استخوان منجم  
 گردانیده است و  
 در آن قفسه است  
 خنده خداوند

بسم الله الرحمن الرحيم  
 مغت شجاع و بودم یک  
 مطالع ان نباسود  
 از اول تا انتها نیت در آورم  
 از فائحه الکتاب سوره و  
 الناس نبین سوره و  
 ابان خواص نوشنه  
 الفان  
 و کز انشتم بخاطر  
 حاجت دینیه هر طالب  
 مرایه کجا جوید و کجیم  
 این جهمه حصوم را خود  
 باید بچم عدد خواند از  
 باطن اینها صلوات و  
 در حقیقت اولیا و علما  
 و خلفاء سلف قدس الله  
 احوال اسعدا

الحکم احمد بن محمد بن خلفاء سلف قدس الله



چشم  
رشتنان و مود  
شدن اعدا و  
درا طوفان  
غیب بکنار  
فرض و خفای  
از بجان  
کما خود  
و دفع  
و الی

فردی و جمعی  
چون مقصد  
و سبب اوید  
و اگر غرض  
از کار باشد  
شماره و غیره  
از اینها  
مستفاد و نام  
مستفاد و نام

[illegible]



باب اول در وصف  
 عالم غیبی و  
 امور و اشکال  
 و نمائے کنند  
 و بعد خاتم  
 است

[illegible]

ولا ياتين الارض ولا يعلمها ولا  
سقط من ذوق البرد الحار  
الامور تغلق في  
مفاتيح الغيب لا يعلمها  
من يغفر حيا وعنه



مسلاطین و  
لناس مجتهدین  
بعد از کیم بنویسند و  
علاء الدین ابان  
و خواجه  
دفعه دیگر در  
مجلس فایزیه  
در قیام  
بزرگوار و  
چهار صفر  
هشت فرب  
و دوازده

پیش

بسم الله الرحمن الرحيم  
صَفْوَةُ اللَّهِ وَذِي السَّمَوَاتِ  
وَالْأَرْضِ مَثَلُ فَوْزِهِ كَمَثَلِ  
فَيْضِ الْفَيْضِ الْفَيْضِ الْفَيْضِ  
جَزْءُ الْخَاجَةِ كَلْفَاوِي  
مِنْهُ وَفِيهِ مِنْهُ فَيْضُ الْفَيْضِ  
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
زَيْنُونِ لَا شَيْءَ وَلَا غَيْبَ  
يَكَادِرُنَا وَلَمْ يَنْسَ فَا  
نُورَ عَلَى نُورِ جَلِيلِ اللَّهِ  
مِنْ شَاءَ وَبِضَائِ اللَّهِ  
وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ  
طَلَبُ الْغَايَةِ وَنَصْبُ الْعَالِمِ  
سَلَامُ الْوَالِدِ وَالْوَائِلِ  
لِنَاسٍ مَجْمُوعَةٍ وَنُورٍ  
بَعْدَ كَيْسٍ يُنَوِّنُ وَ

بخش اول  
 کربانما رسالت شیخ  
 تصدیق کن فالجانیست  
 فاند فاعل صغیر باشد  
 و اگر بعد از کسب شود  
 موافق علم و سنت  
 بیکیچلس ششصد  
 ششاد و ششصد  
 منبر انجاف و خا  
 عد است و علم صغیر  
 حکم

پینه دیگر بردارد و باز د غارا بخواند هم چنین سه بار پس پینه  
دو ذاول و دوم راد را ب نداد و پینه روز سیم راد را نشانند  
و بسوزاند تا بخوتا یا بلیثوتا از بشا بر بشا بر و ن دوازدهان این  
پینه خدا بنام جبرائیل و بنام میکائیل و بنام اسرافیل و بنام  
عزرائیل من تبرئ شو گوید نگویم بیکرم پینه سفید اگر نمیرسد بنام خدا  
مدا شاف خدا کافی خدا معافی و تشر من القرآن ما هو شفاء و  
للثومین و لا یزید الظالمین الا خساراً جهنم اسلیم که از  
ترکیدن بهم رسد بروخته خواند و بران حال د بسم الله الرحمن الرحیم  
قل الله شفیعا بینی و بینکم انه کان بعباده خبیراً فسیکفیکم  
الله و هو السميع العليم و حسبی الله و نعم الوکیل و لا حول و لا قوه  
الا بالله العلی العظیم جهنم کل در هر نیمه که در بدن باشد  
بعد از خم پینه بردارد و بر زخم گذارد و ایند غارا بخواند سه مرتبه  
و بعد از آن این سه پینه راد را ب نداد و روز دوم نیز باین طریق  
بخواند و راد را ب نداد و روز سیم نیز سه مرتبه ایند غارا بخواند  
بطرفی سابق و در انش اندازد بسم الله الرحمن الرحیم بنام انخدای  
که نورانی او دنیا خواند از بودش راهت و بنام صد پینه چهار  
هزار پیغمبر اول آدم و آخر محمد ص علیهم ابدرد فوجیه در دمی بر  
ابدون کوچکی و بفعل ابدون بزرگی کوشش بخورد و استخوان  
بکدامی انا الرافی و الله الشافی اخرج ابلعوا کرکے و اگر دو پنه و اگر

و  
 هفتاد و  
 خوانم سه روز بایستد بخواند  
 خانم چهار روز بایستد بخواند  
 و خانم خانم او را در بایستد  
 کرد تا بجا و منصب  
 عالم برسد و از خواص  
 الخرائد  
 از غیاث المصنف  
 باشد و خواهد که پادشاه  
 مسکن کند و در نظر او  
 الناس و غیاث المصنف  
 را بفرستد و ملاقات نماید و  
 از غیاث المصنف



فما عجل  
ان يجعل فيها من فضله  
وتسبيل الدعا  
وسبيل كونه  
فقد سالتني  
انه احاط الا بعلمه  
وعلمه ان الاشياء  
تلكها غرضه  
علمه ان الاشياء  
ان يكون بها  
شك

فصل

وَمِنْ قَدَرِنَا  
ابوابه ونورا  
فخرج ومن زينة  
ومِنْ حُلَانَا  
مِنْ زِينَةِ  
عَلِيمُ مِنَ النَّبِيِّ

الدين اعم اوسع







[illegible]

۶۴  
نند و ملک میده تو بید و برینان  
هر چه چشمان ملا فی الصدیقه  
الانسان را و فی شفاء  
و لا یزید الظالمین  
و خیر للمؤمنین  
فا هو شفاء و  
و تنزل من القرآن  
و سوره و سجده شفاء



[illegible]

از طوبی  
او غایتی که در  
در طوبی  
برای آنکه  
نشان بخورد  
خداوند  
فرمانده  
که اینها  
طوبی

تختی بچلقد افام



وَمَا كُنَّا بِمُؤْمِنِينَ بِهِ قَبْلَ الْوَعْدِ لَهُمْ أَثَرٌ غَلِيظٌ  
قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ السَّابِقَةُ إِنَّا نَبْتَلُكُمْ أَفَ أَنْتُمْ تُعْلِمُونَ

از قوافل کتب  
خزان حسان  
تخت عظیم  
در این کتاب  
بنام خداوند  
علیه فی اوائله  
یکان شا کل علی  
فنه السلام

فقد حذر







وخلقناهم من وحيهم  
انك لا تعلم يوم ينفخون  
النفثه انما نفثوا  
فما علمنا الا  
لكنك مع المبينين  
قالوا فاطلبوا ما لكم

فتبينكم

فانيكم

[illegible]

و افشای شکر / و طوطی را بفرستاد / بجز در این باشد / گفته اند ایچ / جز در این اند / قلعه در کوه / سنگ سر به چرخ / دزدانند یعنی / لایقین و اهلها / از فاهو شفاء درم



که خواندن این کتاب  
بواسپس نافست و اما جید  
یا بجای او یا بجای  
یا بجای او یا بجای  
یا بجای او یا بجای  
یا بجای او یا بجای

وَلَا تُقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ  
عَلَيْكُمْ وَالْأَزْدَاقِ  
يَهُودُ نَجْرَانٍ وَنَجْرَانَ  
وَإِنَّ اللَّهَ عَالِمُ الْغُيُوبِ



والمؤمنين والذين آمنوا بالله واليوم الآخر  
 والذين آمنوا بالله واليوم الآخر  
 والذين آمنوا بالله واليوم الآخر  
 والذين آمنوا بالله واليوم الآخر

المؤمنين والذين آمنوا بالله واليوم الآخر  
 ان تتفقدوا من افطار السموات فانفذوا الاسفند والاسلطان لا حول  
 ولا قوة الا بالله العلي العظيم  
 ع ص ب بارئ هذا واحسن كنهك ودر حقايق حق  
 جز وشم شلغ وزنجبيل وپوسند حنار وستر نجان مساوم ناك  
 د ب ك كوفه وپنج در عسل سرشته هر دو صبر و شام بخورد به  
 قدر دو مثقال نیم نفخ باید در حدیث مرویست که شخصی خدمت  
 حضرت امام حسین ع عرض کرد که در دایم دارم انحضرت فرمود که از  
 اول سوره انا فتحنا انا عزنا جبرائیل و در حدیث دیگر  
 و سبكه سالم محمد بن حضرت صفاء ع شكایه كن دار در دشت  
 گفت مرا عاقل کرده از کار حضرت فرمود که این ابهر و الهفتم بنی بخت  
 اقل ما اوحى اليك من ربك ولا تبدل لك ما به ملكتك هذا اول  
 جهنم در حقايق بنویسد و با خود دارد از اول سوره انا الله  
 نا غفور شكور جهنم در حقايق انكشفت فان على النبي نافذ را  
 مفد و را و از این ابهر ناخرابه صلا و صبر در حقايق  
 پا و هر دردی و در نیمه بوده باشد این ابهر را بر صند و سبابه  
 بنویسد و در آن خوشبوئی کرده بخونامد و با شکر مرمر کرده  
 و بر موضع در دیند در دینا کن گردد و از اسرار ایشان خبر  
 نا بملون از سوره بودن جهنم در حقايق مرویست که انجمن

دشمن  
 دفع  
 مو علیهم و انشا الله  
 از قله و امیر و انشا الله  
 اینجا بنی دشمن بنی الله  
 و بگوشتان خدا بنیم فلان  
 بفرمان خدا بنیم کرد  
 بنامد و بنیم کرد  
 آفاق دفع حقايق  
 در کتاب حقايق  
 خلافا و در حقايق  
 حقايق و در حقايق  
 حقايق و در حقايق  
 حقايق و در حقايق

والمؤمنين والذين آمنوا بالله واليوم الآخر  
 والمؤمنين والذين آمنوا بالله واليوم الآخر  
 والمؤمنين والذين آمنوا بالله واليوم الآخر  
 والمؤمنين والذين آمنوا بالله واليوم الآخر

والمؤمنين والذين آمنوا بالله واليوم الآخر  
 والمؤمنين والذين آمنوا بالله واليوم الآخر  
 والمؤمنين والذين آمنوا بالله واليوم الآخر  
 والمؤمنين والذين آمنوا بالله واليوم الآخر

خود داشته باشد و خطای بلال کن و بگوید اود احد کمران بگوید  
 در جنة من مخبل و اعنا بنجر به من مخنها الا نهار له فيها من  
 كل الثمرات و اصا به البكر و له ذر بنه ضعفاء فاصا به اعصار  
 فيه نارا فاحترقت كذا پس كلمه فاحترقت اشاره کن بسوی آنکه  
 که منبر به و نور ابتدا و از آن منبکند و سه بگو اللهم طمئة بالبلاد و عت  
 بالالاء غما و ارضه بخار ف من سجد و طهره الا با بئلا نا طمئة با عظم  
 پس در شب و م و سیم هزار بنجر اینجا آورد و اگر در ماه اول مراد  
 حاصل نشود در ماه دوم و سیم هزار بنجر آورد در ماه چهارم باز  
 عمل بخواد ماند و هر که هر روز و هر چه و هفت مرتبه سوره  
 اخلاص را بخواند دشمن او فانی گردد و اگر نام نا حلقا علیه را  
 بر نه یاره کا غذ بنویسد بر نکار و از یاد او بزد هر کس را که خوا  
 حاضر شود و اگر این اسم را بخواند و بر خود دمدم و فتنه بدست  
 ظالمی گرفتار باشد بنامد یا مفعول و هر که این اسم را بنویسد  
 و بر پوست او و با خود دارد از راه رفتن مانده نشود یا عینو  
 در دفع حول و خوف مرویست که شخصی بنجد من حضرت  
 صفاء ع عرض کرد که من خوف بسیار میکنم و در منزل هولناک  
 بسر میرم چیزی بمن تعلیم کن که ترسم حضرت فرمود که در چنین  
 اجلانی و افغشوی دست بر سر بگذار و با او بلند بگو افغش رب الله  
 بیغون و له اسم من في السموات والارض طوعا و كرها و البیة

دشمن  
 دفع  
 مو علیهم و انشا الله  
 از قله و امیر و انشا الله  
 اینجا بنی دشمن بنی الله  
 و بگوشتان خدا بنیم فلان  
 بفرمان خدا بنیم کرد  
 بنامد و بنیم کرد  
 آفاق دفع حقايق  
 در کتاب حقايق  
 خلافا و در حقايق  
 حقايق و در حقايق  
 حقايق و در حقايق  
 حقايق و در حقايق

والمؤمنين والذين آمنوا بالله واليوم الآخر  
 والمؤمنين والذين آمنوا بالله واليوم الآخر  
 والمؤمنين والذين آمنوا بالله واليوم الآخر  
 والمؤمنين والذين آمنوا بالله واليوم الآخر



الحمد لله الذي جعل في الدنيا  
دنياً وسعها ما بين يدينا  
وغيره من نعمته العظيمة  
والتي لا تحصى ولا تعد  
والتي لا يمكن أن نحصيها  
ولا نحيط بها ولا نفهمها  
ولا ندركها ولا نقربها  
ولا نستوعبها ولا نتصورها  
ولا نمسكها ولا نملكها  
ولا نأمنها ولا نؤمنها  
ولا نسلمها ولا نسلمها  
ولا نصلحها ولا نصليها  
ولا نصلحها ولا نصليها

والاكرام  
لك يا سيدي المكنون  
المطهر والمطهر  
لن يكون لك  
فوق فوق  
فوق فوق  
فوق السموات  
والارض وفوق  
العلم

نَفْعُ عَدِيكَرٍ جَفَظَ نَرْعَازَ خُولَ وَهُوَ شَرٌّ وَهَشَرٌ  
خَوْنَدِ كَانِ وَهَمَّ جَانُورَانِ مَقْسَدِ بَنُو بَسْتِ وَبِرْ سِرْ جَوْنَدِ  
وَدَرْ كُوشْتِ زَمِينِ فَرْوِ بَرْدِ سَبْ مَآلِهُ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمُ هُوَ  
هُوَ بِرِ بَخْشِ بَنِهِسْ بِكَمِ كَفْتِ نَفْسِ كُلِّ كُونِ هَمِنْ هَمِنْ هَمِنْ كَسِرِ بِرِ  
هَمَانِ بَسْمِ رَمِ شَبِشِ وَغَنَجِ وَكِرْمِ وَمُورِ چِهْ كِهْ مُحْصُولَاتِ  
هَذِهِ الْأَرْضِ مِنْ سُلَيْمَانَ وَآلِهِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ إِلَّا

الْحَبِيبُ  
 فَاتَّخِذْ مِنْهَا مَا تَوَلَّى  
 لِلنَّاسِ أَنْ تَكْتُمُوا  
 مِنْهَا أَنْ تَكْتُمُوا  
 فَاتَّخِذْ مِنْهَا مَا تَوَلَّى  
 حُورًا مِنْ قَبْلِ أَنْ  
 الْعَدَا بَغِيضًا وَأَنْتُمْ لَا  
 تَشْعُرُونَ تَغْفِي لِمَنْ تَشَاءُ  
 وَتُعَذِّبُ مَنْ تَشَاءُ إِنَّ اللَّهَ  
 عَلَيْكَ شَهِيدٌ فَلْيَرْجِعْ  
 رَضِي  
 ابْنُ عَدَا بَرِائَتَانِ بِخَوَافِ  
 بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
 مِنْ كُلِّ عَيْنٍ حَافِيَةً  
 ابْنُ عَدَا بَرِائَتَانِ  
 النَّاسُ مِنْ عَيْنِ اللَّهِ  
 هَامَةٌ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ  
 خَوَافٌ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ  
 لَوْ جِئْتَ بِمَا أَقَامَ جَعْفَرُ

والتواضع واللين في القول  
والجود والسخاء في العطاء



در وقت نماز و نشستن و در وقت خواب و بیداری  
 و در وقت خوردن و آشامیدن و در وقت پوشیدن و در وقت  
 در وقت نماز و نشستن و در وقت خواب و بیداری  
 و در وقت خوردن و آشامیدن و در وقت پوشیدن و در وقت

بر و سر را برهنه من پس بگوید یا اعطینیه و انت و هبت له و  
 اجعل هبتك البوم حديدك انك قادر عقدر پس بگوید برو که هنوز  
 سزا سجده بر قد اشتبه باشد که پسر عاقبت میان بدین از مادر  
 شنیدم که ایند عارا خواند شفا یافت و بانفاق لقا خود رفت  
 بمسجد و بر واپس رفت که مادر میگوید در مقدمه گذشت  
 تو حدیثی که از حضرت امام محمد باقر مرویست که بخت میانک او  
 یافتند که بجهت طفلی نوشته بود قدسم الله و بالله و الی الله و  
 کاشاء الله و بعز الله و جبروت الله و قدر الله و ملکوت الله  
 هذا الكتاب جعله الله شفاء لفلان بن فلان عبدك وابن  
 عبدك وابن امك بحدیث عبد الله م علی رسول الله و اله و سلم  
 در بجز المنافع آورده که اگر این بر کار غد نویسد و قام  
 طفلی که نرسیده باشد بنویسد و در بوقت از اگر غرق شود و فرو  
 نشیند بدانکه انکود که زخمیست پاکشد و صحت یابد و اگر در  
 بماند بعد از زخمیست پاک شود و اگر در بالا کتاب بماند زود  
 صحت یابد پس آن دفعه را بر دارد و بشوید و بخورد شفا یابد بسم  
 الرحمن الرحیم و لو فوا خدا الله الناس بظلم فانك علیها من دایه  
 و لكن یؤخرنم الی اجل مسمی فاذا جاء اجلهم لا یسبنا و نساغ  
 و لا یستقدمون امر الضعیف و الباطل **در حدیثی** که  
 شخصی بخدمت حضرت صادق ع عرض کرد که پسر من کاه از آب

رسیده و لا یسبنا و الباطل  
 فکونوا من الظالمین لا یفکون  
 الشرائع بالکرم و التواکد  
 بعد ما برسد در کتاب  
 مکمل مع الف و لا یفکون  
 بان از این  
 و لا یفکون الا بالله العلی  
 العظمی اعلم انی بک خاک  
 سبای بر طفلیست و بقیه  
 خوردن از آن کند و بقیه  
 بالغیب مکان و نشسته  
 بینم و بین ما نشسته  
 که فعل با شکی نیست  
 که نوافل شکر و ثواب  
 و نشستن و نشستن

در وقت نماز و نشستن و در وقت خواب و بیداری  
 و در وقت خوردن و آشامیدن و در وقت پوشیدن و در وقت

در وقت نماز و نشستن و در وقت خواب و بیداری  
 و در وقت خوردن و آشامیدن و در وقت پوشیدن و در وقت

و اگر از شیر باز داشتن رنجور شده باشد و سبک از قد بر نهم غ  
 مسلوخ نویسد با و بخورد نوزک شیر خوردن نماید و فاکو  
 الشرائع اکلاما و بخورن المال حبا تمام ابر مو احرافا نامبرون  
 فاقوله اگر طفلی در بر راه ابدان یا بشوید و طفلی بنویسد و  
 بشوید و قدری بخورد و قدری بریدن بمالد و یکی دیگر نوشته  
 بر او بندد بر راه افتد از کسر بر جاک هذا مغسل بارد و شرب  
 الله خلق کل دابة من مثاقیم من عشی علی رجلین و منهم من عشی  
 علی اربع میخلو الله ما یشاء ان الله علی کثیة قدیر **سور اخذ**  
**کوش طفل و در** که این افسون را بخواند و سوزن را بلعاید  
 دهن بر میزند و بعد از آن بسوزن خود باد بکشد کوشل سوزن  
 میکنند و در آن بخت و خون نمیشود و آن حاث نیست و سوزن  
 سوزن با بسم الله بنویسد و بخواند و هر جا که خواهد سوزن  
 خون بیرون نیاید و بخت نکند و در وقت سوزن کردن نیز بخواند  
 کهر که و مسکن کاسی از فاشان جماع موافق حاجت  
 در شب جمعه بعد از خفتن فرزند از جمله غاظم و اکابر بنشود  
 و در جمعه بعد از عصر فرزند از جمله مشاهیر علمای شود و شب  
 دوشنبه فرزند حافظ و دانشور و راضی بفسحت خود باشد  
 و شب سه شنبه مؤمن و رحم دل شود و یا نش از غیبت یمناد  
 پاک باشد و شب پنجشنبه فرزند از جمله علما گردد و روز پنجشنبه

در وقت نماز و نشستن و در وقت خواب و بیداری  
 و در وقت خوردن و آشامیدن و در وقت پوشیدن و در وقت

در وقت نماز و نشستن و در وقت خواب و بیداری  
 و در وقت خوردن و آشامیدن و در وقت پوشیدن و در وقت



عظمت  
بابین و این علم که در  
زوال انجامید و بکبر و  
خند و انبیا کلمه  
انجمن اندر دست  
خند که جوید  
فستق است  
البشر حال او  
سیر فاشد و

۲۰

بزرگوار / اول بزرگان عالم / بزرگان دین و دنیا / بزرگان علم و فن / بزرگان شرف و جاه

روز شنبه  
یکشنبه شود و روز یکشنبه  
دو شنبه و دو یکشنبه  
سه شنبه و سه یکشنبه  
چهارشنبه و چهار یکشنبه  
پنجشنبه و پنج یکشنبه  
شنبه و شنبه یکشنبه  
از این بگذرد و در روز شنبه  
بگذرد و از یکشنبه  
تا هفت روز یکشنبه  
از این بگذرد و شفا یابايد  
روز شنبه تا هفت  
روز یکشنبه و من  
هر روض  
احکام  
روز یکشنبه تا دوازده  
تا چهارده روز یکشنبه  
روزی که جمعه تا سه روز  
یکشنبه و هرگاه شنبه روز  
شبهه اگر در شب بیاید  
عراقی شود و اگر نباشد  
هم بود و وسط شنبه است  
یا بدو را غنیمت



۱۰	۱
۱۲	۱۱
۱۵	۱۳
۱۹	۱۵
۱۹	۱۷
۲۳	۲۲
۱۸	۲۷

  

۱۰	۱
۱۲	۱۱
۱۵	۱۳
۱۹	۱۵
۱۹	۱۷
۲۳	۲۲
۱۸	۲۷



سقند و هم چنین  
 افغانبد و هم چنان  
 انداختن را هم استند عار  
 بنویسند و برگردن کو سقند  
 بند و بسم الله الرحمن الرحيم  
 يا الله يا الله يا الله  
 يا الله يا الله يا غفار  
 يا رحيم يا جبار يا غفار  
 يا غياث من غياث  
 خواص  
 عاقل و شفا و زنده کردن القرآن  
 در عالم ابدی و یومین  
 و برگردن او بنویسند  
 الرحيم يا رحيم الله  
 امنوا الشد جنت الله والدار  
 علیل و مجنون و البیت  
 عاقل و شفا و زنده کردن القرآن  
 در عالم ابدی و یومین



جمعین را محامسنا چونکه خواهد بسپرد  
و کلامت بازاید سورة قل و الله را باین قسم

نافست و هر که در چشم او چاشنی نریزانی که او کوهی گویند  
در دفع زهر خوبتر از نریزان فارغ میباشد و مرکب طفل  
شیر نموده باشند یک ذره از این نریزان در شیر مادر مزوج  
و در کام بچہ بریزد از گردن مادر و غریب این بوده باشد و از  
رویت طفل مادر سست شد حرکت نتوان نماید و آنست که  
در میان شیردان کا و کوهی باشد تا نزد بدن خصیه یا شراب  
باشد که در فوه باده نظیر می باشد و از فاهی شفقور یا لانوی  
جنن الاسماء اسم الله الرحمن الرحيم و لغات متعارف بود  
که ایندای قدیمی بچنان فارس خاله از تکلفات رسم و صنایع  
حالت بدی شرح مذکور را ترجمه نماید که موجب دفع مغفلات  
شرح و متن مذکورین گردد ان شاء الله و حله العزیز امثال الامر الا  
اشرف از ترجمه مذکور مع هذا علاوه مقدمه لازم بود و بالله  
التوفیق مقدمه محقق نماید که شرح مذکور مشتمل بر شش بابست  
و هر باب خاصیت از خواص در باب اول شرح مذکور است و در باب  
مشتمل بر چهار حد و است چنانچه تفصیل این خواص نامد پس بدان  
که اسعد الله فی الدارين که حجة الاسلام زین العابدین ابو حامد  
محمد بن محمد الغزالی رحمه الله در شرح مذکور فرمودند که از سر  
خلیفه بغداد رساله منصوصه شرح کردم نامعلومه شود بجناب  
امیر المؤمنین هم برسم خط کوفی ظاهر شد بدست افتاد کس افتاد

*(Faint handwritten notes at the bottom of the page)*

فافست و هر که که در پیش او چشیده نوباف کا و کوهی کو بند  
 در دفع زهر خویر از نوباف فارغ میباشند و هرگاه طفل را  
 شیر نداده باشند یک دانه از این نوباف در شیر مادر مزه  
 و در کام بچهر بریزد از گردن مادر و غریب این بوده باشد و از  
 رویت طفل مادر سست شده حرکت نتوان نماید و آنست که  
 در میان شیردان کا و کوهی باشد یا نزد یک خصیه یا شراب  
 ناسر که در فوه بیه نظیر میباشد و از فاهی سفوف و بالانوی  
 جنت الاسماء بسم الله الرحمن الرحيم و لغات متعارف بود  
 که ایندای قدیمی بچفات فارسی خاله از تکلفات رسمی و صنایع  
 حان مدعی شرح مذکور در ترجمه نماید که موجب دفع مغفله  
 شرح و معنی مذکورین گردد ان شاء الله و حله العزیز ان شاء الله  
 اشرف از ترجمه مذکور مع هذا علاوه مقدمه لازم بود و بالله  
 التوفیق مقدمه محقق نماید که شرح مذکور در مشتمل بر شش بابست  
 و هر باب خاصیت از خواص در باب اول شرح مذکور است و در باب  
 مشتمل بر چهار جلد است چنانچه تفصیل این خواص مذکور پس بدان  
 که اسعد الله فی الدارين که حجة الاسلام زین العابدین ابو حامد  
 محمد بن محمد الغزالی رحمه الله در شرح مذکور فرمودند که از سر  
 خلیفه بغداد رساله منصوصه شرح کردم نامعلوم شود بجز  
 امیر المؤمنین بسم خط کوفی ظاهر شد بدست افتاد کتب انشرا







چنانکه در او آمده است  
و اگر موثقت باشد  
فام کند و افاد  
در دو سلسله  
استیلا و غطیه  
به خطیبی  
می یافند که  
که از این خطیب  
امیر المومنین  
نه

سند  
سینه باشند  
و کور و وفاد  
و پادشاه غلیبه  
ایستادند و ایام  
و غنی و فخر  
و جانشین  
و کور و وفاد  
و پادشاه غلیبه  
ایستادند و ایام  
و غنی و فخر  
و جانشین

فاما  
 دیدم و شنیدم  
 باشد در فتنان بین  
 و نه فروان باشد و حد  
 و جوهر از باشد و طاق  
 و در اعدا از قوم و شایان  
 و در بعضی از دشمنان







[illegible]

باید باین نحو دعا خواند که  
 میفرمود که  
 اللهم انی استعینک فی کل امر  
 و استعینک فی کل امر

در دست در کوش در پند چو پنجه بن کنه ایند  
 ۳۳ ۳۴ ۳۵  
 این با پند نمودن در چیز بر که در دبر ده هر که را کمان  
 بود بنویسد بد همد بخورد اگر آن بر ده بکوه و بے ترود ایند  
 بسم الله الرحمن الرحيم رب اغفر لی ولوالدک و لمرء خل بیتی مؤمنین  
 و المؤمنین و المؤمنات و لا یزید الظالمین الا خسار و صلی الله  
 علی محمد و آل الطاهین بر حمتک یا ارحم الراحمین **نوی علی کبر**  
**چند خبر** اگر خواهی بدانند که چقدر زرد برده است یا نه  
 شود یا نه ایند عا را بنویسد و برگردن کوشند یا کوشاله بنید  
 و انقور مرا کند نادرست بر پشت او بکشند پس هر که زرد باشد  
 کوشاله بفرمان خدا بنعم فریاد کند عا انیس ان الذین اتخذ  
 العجل سبیلهم غضب من ربهم و ذل فی الا لجوء الذین ابوا  
 ان یخرجوا من دینهم غرام کردن بیه جا بطاس با قومنا  
 اجبوا داعی الله را بنویسد و هر دو دست را بر طاس هند و غل  
 بخواند که طاس با هر خدار و ان کرد نا اینجا که زرد زرد بد  
 باشد اعوذ بالله من الشیطان الرجیم **بسم الله الرحمن**  
**الرحیم** با قومنا اجبوا داعی الله طرفه نوش اینفو نوش نشاد  
 بر جا و راهت شراعت از و چه بر اهتبا و الله الذی لا اله الا هو  
 عالم الغیب و الشهادة ملکه و ملکن و سلطان و وعد و وعده و



بِكُودٍ وَبَعْدَ ذَلِكَ  
عَلَى الْعَهْدِ الْفَارِغِ  
عَلَيْهِ مِنْ شَهَادَةِ  
رَبِّهِ لَا إِلَهَ إِلَّا  
هُوَ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ  
لَهُ وَاشْهَدُوا أَنَّ  
مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ  
وَنَبِيُّهُ وَخَاتَمُ  
النَّبِيِّينَ فَإِنَّ  
الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ  
أَهْلًا وَأَقْرَبَ  
إِلَى اللَّهِ

بِكُودٍ وَبَعْدَ ذَلِكَ  
عَلَى الْعَهْدِ الْفَارِغِ  
عَلَيْهِ مِنْ شَهَادَةِ  
رَبِّهِ لَا إِلَهَ إِلَّا  
هُوَ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ  
لَهُ وَاشْهَدُوا أَنَّ  
مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ  
وَنَبِيُّهُ وَخَاتَمُ  
النَّبِيِّينَ فَإِنَّ  
الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ  
أَهْلًا وَأَقْرَبَ  
إِلَى اللَّهِ

در کتب معتبره و در کتابخانه  
آستان قدس و در کتابخانه  
مجلس شورای اسلامی

وَأَمَّا الْبُيُوتُ فَكَانَتْ بِهِنَّ وَأَعْتَدَتْ لَهُنَّ مُتَّعًا مِمَّا فِي هَذِهِ  
وَأُولَئِكَ هُنَّ الْمُتَّقَاتُ



بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله الذي جعل في كل شيء  
دلالة على قدرته وقوته  
ويعلم ان كل شيء لا يخلو  
من قدرته وقوته

وحشت گران در رکعت است در رکعت اول سورة حمد و بعد  
اين الكرسى و در رکعت دوم بعد از حمد ده مرتبه انا انزلناه و  
شهد و سلام گوید **طريقه نوشتن عرضيه با محراب**  
بسم الله الرحمن الرحيم السلام عليك ورحمة الله وبركاته من العبد  
الذليل الفقير الى جليل العظم الشهد الغريب المظلوم الطارده  
المهدى الامام الهام بامولاي نوح بفضلك وجودك وكرمك  
ويعجز جددك محمد سبيل المرسلين وابيلك انك وافق طالع  
حاجتي وافض حوائجي بحضرة جددك واهل بيته المعصومين  
برحمته يا ارحم الراحمين **عرضيه بحضور عيسى بسم الله**  
الرحمن الرحيم من الائمة الذليلة الى المولى الجليل الغرير الكريم  
سلام الله عليك يا مولى يا عيسى بن امير المؤمنين عم ابن  
زين وبن الله ذوقا فداثقت مغنى عن الرفاد و ذكر ما يغفل احشا  
وقد هربت عز وجل واليك يا عيسى بن امير المؤمنين عم ان نقصني  
حاجتي من الدنيا والاخرة وان تغافني من جميع العلل لان نيلني  
من المكروهات بخوابك واخوتك المعصومين و صلى الله على محمد  
والر طاهرين برحمته يا ارحم الراحمين و صلى الله على محمد  
والر طاهرين

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله الذي جعل في كل شيء  
دلالة على قدرته وقوته  
ويعلم ان كل شيء لا يخلو  
من قدرته وقوته

دعوت افندي  
اعف عنك  
وكل ما بين يدي  
كافور  
الحسن المظهر  
امه كخدا  
برو جلع او اسنه  
كرد با  
بید افك الكتاب  
اشنخ علی بن محمد  
کتاب





ماده نرعا      میج و لرزون کوسه ناله

۲ ۲ ۲ ۲  
۶ ۶ ۶ ۶



